

مطالعه افهام آگوستوس پوجین و کوینلن تری از معماری دینی

سیده مهسا باقری^۱

محمود ارژمند^۲

سید بهشید حسینی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۱۵

چکیده

افهام متمایز، گوناگون، و چندگانه موجود از معماری دینی نزد معماران، هنرپژوهان، و دین‌شناسان مختلف، موجب شد که این پژوهش با هدف مطالعه بخشی از این افهام نزد دو معمار صاحب‌نظر در حوزه فرهنگی غرب انجام پذیرد. آگوستوس پوجین و کوینلن تری از معماران صاحب‌نظر در حوزه فرهنگی غرب هستند که در اندیشه‌های خویش به فهمی از این معماری دست‌یافته‌اند. این پژوهش در نظر دارد به مطالعه افهام معماران نامبرده از معماری دینی بپردازد. پژوهش از لحاظ هدف، بنیادی-نظری و از نظر راهبرد، کیفی، و از لحاظ روش‌های گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. نتایج حاصل از این پژوهش، علاوه بر اینکه مطالعه‌ای تحلیلی از افهام معماران نامبرده در خصوص معماری دینی ارائه کرده است، نقاط اشتراک و افتراق فهم این دو معمار از معماری دینی را نیز برشمرده است. مطابق با این تحلیل تاکید بر تجلی ایمان، اعتقاد قلبی، و باورهای انسان یا به صورت خاص معمار در معماری دینی به صورت مشترک در افهام این معماران شناسایی شد. اعتقاد این معماران به پیوستگی معماری با معنویات، دین، و یا مذهبی خاص نیز یکی از نقاط اشتراک تفکر ایشان بود. همچنین انتساب کارکردی صرفاً معنوی در مقابل کارکرد مادی، دنیایی، و معنوی به معماری دینی و همچنین تفاوت در مشخصات معمار دینی را می‌توان از نقاط افتراق اندیشه‌های معماران نامبرده برشمرد.

واژگان کلیدی: معماری دینی، معمار دینی، فهم، آگوستوس پوجین، کوینلن تری.

E-mail: mahsa.bagheri_1989@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشگاه هنر، تهران، ایران

E-mail: marzhmand@gmail.com

۲. استادیار گروه معماری، دانشگاه هنر، تهران، ایران

E-mail: behshid_hosseini@art.ac.ir

۳. استاد گروه معماری، دانشگاه هنر، تهران، ایران

این مقاله برگرفته از رساله دکتری معماری نویسنده اول می‌باشد، با عنوان تفسیر معماری دینی نزد معمار، که به راهنمایی نویسندگان دوم و سوم، در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر انجام پذیرفته است.

با بررسی افهام موجود از معماری دینی در حوزه‌های فرهنگی مختلف، با تصورات ناروشن و تفاسیر ناواضحی از این معماری و چندگانگی‌ها و آشفتگی‌های بسیاری در فهم آن روبه‌رو خواهیم شد. معمار طیفی وسیع از افهام و تفاسیر اندیشمندان، دین‌پژوهان، و هنرشناسان را در خصوص این عبارت در مقابل چشم خویش می‌بیند. تفاسیری که به تکه‌پاره‌های افهام وی از این معماری جهت می‌بخشد. سردرگمی‌های موجود در افهام و تفاسیر معماران معاصر از عبارت معماری دینی، و همچنین سکوت شمار بسیاری از ایشان نسبت به این معماری، موجب شد که این پژوهش فهم دو معمار حوزه فرهنگی غرب^۱ یعنی آگوستوس پوجین^۲ و کوینلن تری^۳ از معماری دینی را مورد مطالعه و تحلیل قرار دهد. علت انتخاب این معماران به عنوان نمونه مورد مطالعه را می‌توان تعدد اندیشه‌ها و افهام ایشان در خصوص معماری دینی دانست که آنان را به‌عنوان معمارانی صاحب‌نظر در این زمینه و در حوزه فرهنگی مورد بحث، برجسته کرده‌است.

پوجین معمار و طراح انگلیسی، زاده شهر لندن بود. وی به واسطه کتاب‌هایش در پیدایش «جنبش احیای گوتیک»^۴ تأثیرات به‌سزایی داشت. عشق پرشور وی به معماری دینی در قالب علاقه به کلیساهای جامع قرون وسطایی زمانی خود را نشان داد که به مرمت کلیساهای جامع باستانی و همچنین طراحی کلیساهای کاتولیک آن‌هم با هزینه‌های شخصی مبادرت ورزید. چنین بود که هیل^۵، هنگام نگارش اولین زندگی‌نامه موجود از این شخصیت، او را معمار خدا نامیده است^۶. کوینلن تری نیز معمار انگلیسی و یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان سبک نئوکلاسیک است. بررسی برخی اندیشه‌های این معمار در فهم معماری دینی نزد وی حائز اهمیت است. این پژوهش در ادامه به مطالعه تحلیلی افهام دو معمار صاحب‌نظر در حوزه فرهنگی غرب یعنی آگوستوس پوجین و کوینلن تری از معماری دینی خواهد پرداخت و سعی خواهد نمود تا از طریق منابع موجود، پاسخی برای پرسش ذیل ارائه کند:

فهم آگوستوس پوجین و کوینلن تری از عبارت معماری دینی چگونه است؟

پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه مربوط به این پژوهش، مطالعات معماران حوزه فرهنگی غرب در خصوص عبارت معماری دینی مد نظر بوده است. در این حوزه فرهنگی اندیشه‌های لئون باتیستا آلبرتی^۷ در این خصوص و در کتاب «هنر ساختن» وی مورد توجه است. دفتر هفتم این کتاب به ساخت معماری دینی یعنی معابد، جزئیات، و تزئینات آن مربوط است. از فرم‌ها در معابد و کلیساهای کوچک و جامع گرفته تا دیوار، در، پنجره، ستون‌ها، ورودی، و مصالح آن. آلبرتی در این دفتر از شیوه تناسبات آرمانی، نقشه متراکم در مرکز به عنوان کلیسای آرمانی مسیحیان، و کثرت ترکیب ستون و قوس هواداری کرد^۸. وی در بخش سوم این دفتر نیز نظریات خویش در خصوص معبد را به عنوان مکانی دینی اذعان می‌دارد. در این حوزه فرهنگی همچنین معمارانی چون آگوستوس پوجین، جان راسکین^۹، لوکوربوزیه^{۱۰}، کوینلن تری و کریستوفر الکساندر^{۱۱} در باب معماری دینی نظریاتی ارائه کرده‌اند. پوجین به فهمی از معماری دینی دست یافته است که آن را می‌توان در خلال بررسی اندیشه‌هایش در کتاب «تضادها یا

۱ حوزه فرهنگی غرب شامل سرزمین‌های واقع در اروپای مرکزی و غربی و کشورهای شمال قاره آمریکا است که از لحاظ فرهنگی مشابهت دارند.

2 Augustus Welby Pugin(1812-1852)

3 Quinlan Terry(1937-)

4 Gothic revival movement

5 Rosemary Hill

6 Hill, 2001, Belcher, 1987: 14-95

7 Leon Battista Alberti(1407-1472)

۸ آلبرتی، ۱۳۹۹: ۷۵؛ گاردنر، ۱۳۸۷: ۳۹۸؛ ۱۷۵۵؛ Alberti, 1755

9 John Ruskin (1818-1900)

10 Le Corbusier

11 Christopher Alexander (1936-)

مقایسه معماری قرن ۱۵ و قرن ۱۹^۱ دریافت^۲. بلچر^۳ و کلی^۴ در پژوهش‌های خویش به فهم پوجین از معماری دینی اشاراتی داشته‌اند^۵. راسکین نیز در برخی آثار خویش توجهی به معماری دینی داشته است^۶. شوای (۱۳۸۴) در کتاب «شهرسازی تخیلات و واقعیات» به برخی نظریات راسکین در خصوص معماری و شهرسازی اشاره کرده است که بخش‌هایی از این نظریات گرایش‌های راسکین را در خصوص معماری دینی نشان می‌دهد. کالینز (۱۳۷۵) در پژوهش خویش در خصوص اندیشه‌های راسکین می‌نویسد که با مطالعه آن می‌توان فهمی از معماری دینی نزد راسکین به دست داد. تری (۱۹۹۷) در مجموعه مقالات «تئوری‌ها و بیانیه‌های معماری معاصر»^۷ و مقاله‌ای با عنوان «معماری و الهیات»^۸ نسبت معماری با الهیات و دین را می‌جوید^۹. فرشیدنیک و افهمی (۱۳۹۱) در همین راستا به تبیین و بررسی فهم تری از نسبت معماری و دین پرداخته‌اند. با مطالعه اندیشه‌های کریستوفر الکساندر نیز می‌توان به فهمی از معماری دینی دست یافت. این فهم حاصل تجارب و فعالیت‌های وی در عرصه معماری است که وی آن را در چهار مجلد «سرشت نظم»^{۱۰} منتشر کرد^{۱۱}. جلد چهارم این کتب با عنوان «سرشت نظم: زمین نورانی»^{۱۲}، مشتمل بر دو بخش است. نویسنده در بخش اول کتاب، در فصولی چون «تصویر کنونی ما از جهان»^{۱۳}، «سرنخ‌هایی از تاریخ هنر»^{۱۴} و «حضور یک من»^{۱۵}، نظریات خویش را در قالب کلیاتی تشریح کرده و به نوعی زمینه‌سازی ورود به مباحث بخش دوم کتاب را انجام می‌دهد. بخش دوم این کتاب را می‌توان چکیده باورها، تجربیات، و نظریات معمار دانست که نویسنده در فصل آخر از بخش دوم با نام «صورت خداوند»^{۱۶} فهمی از معماری دینی ارائه کرده است.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ ماهیت و روش به صورت «تفسیری - تحلیلی» و از لحاظ روش‌های گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای می‌باشد. راهبرد کلی این پژوهش نیز از نظر شیوه تجزیه و تحلیل کیفی محسوب می‌گردد. پژوهش در راستای مطالعه افهام موجود از معماری دینی نزد آگوستوس پوجین و کوینن تری، در ادامه نخست به شناسایی، تبیین، و تحلیل افهام موجود این معماران از معماری دینی خواهد پرداخت و سپس نسبت‌ها، تفاوت‌ها، و شباهت‌های احتمالی آنها را جستجو خواهد نمود.

بحث

فهم آگوستوس پوجین از معماری دینی

برای فهم دیدگاه این معمار در خصوص معماری دینی از گزیده‌ای از نوشته‌های وی برای یک دوست شروع می‌کنیم:

- 1 Contrasts: Or, a Parallel between the Noble Edifices of the Middle Ages and Corresponding Buildings of the Present Day
- 2 pugin, 1841
- 3 Margaret Belcher
- 4 Charlotte, M Kelly
- 5 Belcher, 1987; Kelly, 2014
- 6 Ruskin, 2015
- 7 theories and manifestoes of contemporary architecture
- 8 Architecture & theology
- 9 Terry, 1997
- 10 The Nature of Order
- 11 Alexander, 2003 :Alexander, 2004C :Alexander, 2004B :Alexander, 2004A
- 12 The Luminous Ground: The Nature of Order
- 13 Our present picture of the univers.
- 14 Clues from the history of art
- 15 The existence of an "I"
- 16 The Face of God

اگر می‌خواهید محظوظ شوید، اگر می‌خواهید متحیر شوید، اگر می‌خواهید شیفته شوید، همانطور که من در حال حاضر هستم، به خاطر خدا، به ولز بیاید.» و می‌افزاید: «من تمام صبح در کلیسای جامع بوده‌ام. چقدر محظوظم! و چقدر در رنجم!»

چنانچه آمد در میان نوشته‌های وی رنچ‌ها و گلابیه‌هایش از وضعیت فراموش‌شده کلیساهای جامع و بی‌دقتی به مراسم آنها به چشم می‌خورد. وی در یک مناسبت نوشت:

من هرگز آرام نخواهم گرفت. من معماری باشکوهی را که در ابتدا توسط ایمان کاتولیک ایجاد شده است میبینم. بیانی زنده از عظمت آداب و رسوم کاتولیک.^۲

چنانچه در سطور فوق آمد پوجین ساخت کلیساهای جامع در مقام یک اثر معماری دینی را عملی از روی ایمان مومنان به مذهب کاتولیک می‌داند. توضیح تفاوت بین ایمان، باور یا اعتقاد داشتن، با دانستن یا علم‌داشتن در فهم بهتر این قول از پوجین و فهم وی از معماری دینی اهمیت دارد. ایمان‌داشتن به معنی باور و اعتقاد عمیق داشتن است.^۳ بسیاری کسان که چیزی را می‌دانند، یعنی به آن علم دارند اما به آن ایمان، باور یا اعتقاد ندارند. همانند کسی که می‌داند مال‌اندوزی در دنیا درست نیست، اما تمام عمر در پی کسب ثروت است. وی می‌داند، اما باور ندارد، یعنی ایمان و اعتقاد راسخ ندارد. دو خصلت است که ایمان و باورداشتن را از دانستن و علم‌داشتن متمایز می‌کند. خصلت اول این است که ایمان و باورداشتن امری شخصی است، نه تقلیدی؛ در حالی که علم‌داشتن و دانستن می‌تواند تقلیدی باشد. بسیاری از مطالبی که ما می‌دانیم تقلیدی است، به این معنا که دیگران با تجارب شخصی خود آن را بدست آورده و ارائه کرده‌اند؛ و ما آن‌ها را پذیرفته‌ایم و پس از آن از آن تقلید می‌کنیم، اگرچه با تجربه شخصی خود آن را نیافته‌ایم، مانند پذیرفتن قاعده بازتاب نور، یا نسبیت انیشتین. اما ایمان و باورداشتن چنین نیست. ما به اموری ایمان و باور داریم که خودمان به آن‌ها رسیده باشیم؛ نه اینکه دیگران رسیده باشند و ما از آن‌ها تقلید کنیم. خصلت دوم این است که دانستن همواره از مقوله علم حصولی است، درحالی که باورداشتن از مقوله علم حضوری است. در کنار این مطلب، انتقال از علم به ایمان و از دانستن به باورداشتن دفعی نیست؛ بلکه همواره به تدریج صورت می‌گیرد، یعنی ایمان ذومراتب است، بعضی درجات آن زودتر حاصل می‌شود و بعضی درجات دیرتر. البته علم و ایمان مشترک لفظی هستند کمااینکه یکی از معانی علم باور است، اما در نقل این مطلب علم را در معنای دانستن و ایمان را در معنای باور و اعتقاد عمیق قلبی مورد بررسی قرار دادیم.^۴

حال با این مقدمه، به بررسی بهتر قول فوق از پوجین می‌پردازیم؛ وی کلیساهای جامع را به عنوان نمونه باشکوهی از معماری دینی، حاصل ایمان انسان مومن به مذهب کاتولیک می‌داند. یعنی انسان‌هایی که نه تنها علم به این مذهب دارند، بلکه به آن مومن هستند و باور و اعتقادی عمیق و قلبی بدان احساس می‌کنند. از نظر پوجین چنین انسانی است که می‌تواند کلیساهای باشکوه کاتولیک را خلق کند. ایمان و باور این انسان حاصل تجربه شخصی وی است، و چون خود به صورت حضوری آن را درک کرده است، امری تقلیدی نیست. علاوه بر این اگر بپذیریم که ایمان انسان کاتولیک نیز ذومراتب است و نیل به درجات مختلف آن نیز به تدریج صورت می‌گیرد؛ هر اندازه که توفیق وی در کسب درجات ایمان فزونی یابد، تاثیر آن را در خلق معماری دینی و به عبارتی معماری کلیساها خواهیم دید. بنا بر آنچه در فوق آمد می‌توان این قول پوجین را چنین جمع‌بندی کرد که امکان خلق معماری دینی نزد پوجین وابسته به حضور انسانی دین‌باور یا مومن به دین و به صورت خاص مذهب کاتولیک و در نسبت با مرتبت و جایگاه وجودی این معمار دین‌باور است.

انتشار سخنرانی‌های پوجین تحت عنوان «اصول واقعی معماری مسیحی» در سال ۱۸۴۱، بخشی از تئوری‌ها

1 Kelly, 2014: 381

۲ همان

۳ فرهنگ معین

۴ ملکیان، ۱۳۶۹-۱۳۷۳: ۱۱۹-۱۲۰

و اعتقادات وی را در خصوص معماری دینی تبلور بخشید. هدف پوجین از این سخنرانی بیان و تبیین اصول معماری مسیحی بود. وی مدعی شد که با علم به این اصول امکان تجربه یک معماری متعالی فراهم می‌شود. به زعم وی دو اصل اساسی واقع در معماری مسیحی شامل موارد ذیل بود:

نخست اینکه هیچ چیزی در این معماری وجود نداشته باشد که برای راحتی، ساخت و بهبود آن ضروری نباشد.

دوم، اینکه همه تزئینات باید در جهت ارتقای عناصر اساسی یک معماری باشد... در معماری ناب و خالص، کوچکترین جزئیات باید معنی داشته باشد و در خدمت یک هدف باشد.^۱

با تعبیر فوق می‌توان بیان کرد که نزد پوجین معماری دین مسیحی دارای هدفی است و همه چیز در آن باید برای نیل بدین هدف برنامه‌ریزی شود. برای فهم اعتقاد پوجین در خصوص چیستی هدف معماری دینی به کتاب «تضادها: یا مقایسه معماری قرن ۱۵ و قرن ۱۹» رجوع می‌کنیم:

وی در سال ۱۸۳۶، با هزینه شخصی و ضرر قابل توجهی، این کتاب را در باب هنر کاتولیک و مقایسه بناهای قرون وسطی و عصر جدید منتشر کرد. از مهم‌ترین نتایج چاپ این کتاب محافظت و ترمیم کلیساهای جامع بود. پوجین در این کتاب نظرات خویش در خصوص گوتیک و تحسین خود نسبت به هنر قرون وسطی را اعلام کرد و مدعی شد که معماری گوتیک، حاصل جامعه‌ای پاک و خالص‌تر است و معماری راستین دین مسیحیت، معماری گوتیک است. پوجین معتقد بود که گذشته مرده نیست، بلکه زنده است؛ و کلیساهای جامع گوتیک سرد و بی‌معنی نیستند، بلکه مملو از فعالیت‌ها و احساسات انسانی می‌باشند؛ به‌زعم وی کلیسا به عنوان یک ساختمان و یک جسم فیزیکی بی‌اثر دیده نمی‌شود، بلکه این ساختمان به عنوان یک نهاد زنده، هدفی جز پرستش خدا ندارد. این ساختمان به نمایش بزرگی و جلال خدا، انجام فعالیت‌ها و امور انسانی، و مراقبت از همه مردم – ثروتمندان و فقرا، صنعت‌گران و دانشمندان و جوان و پیر – اختصاص دارد.^۲

از سطور فوق پیدا است که به زعم پوجین، معماری دینی اگرچه با هدف پرستش خدا و نمایش بزرگی و جلال وی ساخته می‌شود، اما این معماری نه تنها محلی برای امور معنوی انسان و ستایش و عبودیت خدا است، بلکه محلی برای رتق و فتق فعالیت‌ها و امور مادی و دنیایی مردم نیز محسوب می‌گردد.

وی همچنین کلیسا را نیروی نفوذ به کل جامعه و معماری آن را بیانی از اخلاقیات اجتماع می‌دانست، لذا نقد، بحث، و گفتمان درباره آن را، مانند هر هنر دیگری، «نقد زندگی» می‌نامید. پوجین در این کتاب ظاهر و معماری کلیسا را برای تفسیر شخصیت سازندگان آنها و وضعیت اخلاقیات در جامعه بکار می‌برد. گویی قالب و صورت معماری دینی برای وی به یک شاخص برای تشخیص نحوه زندگی و شخصیت سازندگان تبدیل می‌شود. به بیانی دیگر صورت معماری، بیانی از ماهیت سازندگان است؛ و کیفیت معماری کلیسا، قدمت و گذشته معنوی معمار آن را ثبت و اعلام می‌کند. پوجین رابطه بین کیفیت معماری کلیسا و سیرت معمار را دوسویه می‌دانست، کیفیت معماری کلیسا را نشان سیرت پاک معمار و جامعه‌ای پاک‌تر؛ و گذشته و سیرت معنوی پاک را پیش شرط خلق هنری درخور و ساخت کلیسایی شایسته برای حضور انسان میدانست.^۳ وی معتقد بود این بناهای اصیل تنها توسط انسان‌های اصیل^۴ ساخته می‌شود و در همین زمینه اشاره می‌کند:

آن کارگران، با غیرت و فداکاری، خود را وقف می‌کنند، با شکوه‌ترین ترکیبات و مهارت‌های خود را صرف می‌کنند. این مهارت‌ها شگفت‌انگیز است. جزئیات با ظرافت، سلیقه و احساسات اجرا میشوند. احساسات «اصیل» است.^۵

پوجین در این کتاب برای توصیف معماری قرون وسطی و گوتیک تعابیر مختلفی به کار می‌گیرد:

1 Kelly, 2014: 388
 2 worship of God
 3 Pugin, 1841:13. Belcher, 1987: 14-9
 4 Belcher, 1987: 14-95
 5 noble men
 6 Pugin, 1841: 4-23

بناهای اصیل قرون وسطی با شگفتی‌های ساخت و ظرافت طراحی^۱ آنها متمایز می‌شوند.^۲ آنها آثاری با «شکوه عظیم»^۳ و دارای «وقاری با عظمت»^۴ هستند. گوتیک همواره «باشکوه»^۵ است. شاهکاری با «ساختاری جسورانه و ظریف»^۶ و تزئیناتی به «عالیترین شکل»^۷ دارد. ترکیب آن برای معمار «اصیلتین»^۸ است؛^۹

گنج «عظیم»^{۱۱}، مواد «گرانها»^{۱۲}، اشکال «نفیس»^{۱۳}، زیور آلات «غنی و مجلل»^{۱۴}، «عظیم»^{۱۵} و «باشکوه»^{۱۶}، «نفیس و گرانها»^{۱۷}، رنگهای «درخشان»^{۱۸} در آن یافت میشود.^{۱۹}

چنانچه آمد پوجین در سراسر این کتاب به تحسین بناهای قرون وسطی پرداخته است؛ وی همچنین صداقت و عدم فریب‌کاری را به معماری قرون وسطی نسبت میداد. از نظر پوجین ساختمان‌های گوتیک بیانی صریح از اهداف مورد نظر خود بوده‌اند. همان‌طور که هدف کلیسای مسیحی، پرستش خداست. وی گوتیک را دارای صراحت در روش ساخت و مصالح بکاررفته می‌دانست، به طوری که از هیچ تکنیک گمراه‌کننده یا مواد ارزان و نامرغوب (چون گچ) استفاده نمی‌کند. تزئینات گوتیک به زعم او در اعضای سازه‌ای پایه‌ریزی شده است و به عنوان عنصری خودمختار عمل نمی‌کند، غیر ضروری نیست و در خدمت هدف بزرگتری است.^{۲۰} با نظر به تعابیر فوق بار دیگر تاکید پوجین بر پرهیز از به‌کارگیری عناصر، جزئیات و تزئینات غیرضروری در معماری دینی مستفاد می‌گردد.

بلچر (۱۹۸۷) در نقد کتاب تضاد پوجین، همچنین از وجود هماهنگی^{۲۱} بین هنر و دین در آثار وی یاد می‌کند. پوجین هنر گوتیک را بیان و دنباله مستقیم ارادت و ایمان کاتولیک به دین می‌خواند^{۲۲}؛ و اذعان می‌دارد: «تحت مراقبت و حمایت کلیسای کاتولیک و تشویق آنان، بیشترین آثار و تلاش‌های هنری حاصل شده است»^{۲۳}. بخشی از نوشته این معمار در خصوص معماری دین مسیحیت در ذیل آمده است:

من حقایق دین کاتولیک را در کلیساهای جامع قدیمی اروپا آموختم. من این حقایق را در کلیسای مدرن انگلیس نیز جستجو کردم و دریافتم که از زمان جدا شدن از کاتولیک، این حقایق کمتر در آن یافت می‌شود و زندگی ندارد؛ بنابراین بدون اینکه کشیشی آگاه باشد، از طریق رحمت خدا، تصمیم گرفتم وارد کلیسای او شوم.^{۲۴}

چنانچه آمد پوجین زیبایی و اصالت هنر گوتیک را بدیهی می‌پنداشت و این اصالت و زیبایی را به اصالت و احساسات اصیل سازندگان آنها نسبت می‌داد و آن را حاصل ارادت و ایمان مومنان به دین می‌خواند؛ ذکر یک نکته در این بین خالی از فایده نیست. تقریباً در همه ادیان، ابراز ارادت و اعتقاد مومنان به مقدسات، شخصیت‌های دینی و خدا به دو صورت است. یا بی‌اختیار ارادتی ابراز می‌شود و یا به صورت عالمانه و عامدانه.

1 wonders of their construction and the elegance of their design

2 Pugin, 1841: 13

3 gigantic splendour

4 solemn grandeur

5 glorious

6 masterpiece[s] of bold and elegant construction

7 the most perfect manner

8 noblest

9 Pugin, 1841: 27

10 Pugin, 1841: 4-32

11 the treasure 'immense'

12 materials are 'precious'

13 the forms 'exquisite'

14 the ornaments 'rich and sumptuous'

15 massive

16 splendid

17 exquisite and precious

18 the colours 'brilliant'

19 Pugin, 1841: 4-32

20 Belcher, 1987: 14-42); (Pugin, 1841: 13

21 harmony

22 Belcher, 1987: 14-95

23 Pugin, 1841: 23

24 Kelly, 2014: 383

صورت اول ابراز بی اختیار ارادت است، مانند زمانی که گلی را می بینیم و بدون هیچ تامل و اندیشه‌ای آن را تحسین می کنیم و شگفتی و ستایش خود را ابراز می کنیم؛ در این حالت انسان گویی از خود بی خود شده است؛ عظمتی را احساس می کند و حقارتی را؛ حقارت خود در برابر عظمتی که انسان را به ستایش واداشته است. بسیاری از اندیشمندان دینی و فلاسفه‌ای چون دکارت معتقدند هر زمان که چنین حالتی برای انسان در برابر خدا یا مقدسات پیش آمد، هر عملی که در راه این ستایش انجام دهد چه مطابق آداب و رسوم مذهبی باشد و چه نباشد عبادت است. به بیانی دیگر احساس این حقارت و عظمت، صرف نظر از اینکه به چه شکلی بیان شود، عبادت راستین است. صورت دوم مربوط به حالتی است که در آن شخص بدون احساس عظمت و حقارت ابراز ارادت کند و یا به عبادت پردازد، مانند اینکه گلی را ببیند و چیزی از عطر و زیبایی آن حس نکند، اما به تمجید آن پردازد، شماری از عارفان ادیان و مذاهب جهان، و اندیشمندان و فلاسفه‌ای چون دکارت این عمل را عبادت نمی دانند و شماری دیگر این ابراز عبادت را پذیرفته می دانند، چراکه به عنوان مثال نفس سخن گفتن با گلی که اگرچه زیبایی و عطرش را حس نمی کنیم، مرا آهسته به سوی درک زیبایی و عطرش سوق می دهد. هرچند عظمت آن چیز و حقارت و کوچکی خود را حس نمی کنیم، اما توجه داریم که من نقصی دارم که از درک این کمال و عظمت عاجزم و از وضع موجود راضی نیستم و دل به مطلوبی بسته ام^۱.

با علم به آنچه آمد بار دیگر به بررسی قول پوجین می پردازیم. پوجین زیبایی کلیساهای تحسین برانگیز گوتیک را به عنوان نمونه‌ای از معماری دینی حاصل احساسات اصیل مومنان به کاتولیک یافته است. وقف مهارت‌های شگفت‌انگیزشان برای ساخت این کلیساها را عملی برای ابراز ارادتی بی اختیار و اصیل نامیده و آن را حاصل ایمان مومنان کاتولیک به دین خوانده است. در نهایت به صراحت ورود به این کلیسا را ورود به عرصه رحمت خداوندی نامیده است. در نتیجه پوجین نیز با یادآوری کردن بی اختیاری مومنان در این عبادت و ذکر غیرعامدانه بودن آن، سعی بر این دارد که ارزش والای این عبادت را برای مخاطب به نمایش گذارد.

فهم کوینلن تری از معماری دینی

معماران نئوکلاسیک معتقدند که نظم‌های کلاسیک الهاماتی آسمانی و مقدس هستند. پس تغییر دادن آنها صحیح نیست و هر تغییری در آنها باعث تبدیل کمال به نقصان میشود. آنها دلیل جاودانگی معماری کلاسیک را همین می دانند. از نظر آنان، سبک پسامدرن یک مد است، زیرا در این سبک اصول جاودانه معماری کلاسیک با طبع، نظر و منطق زمینی تغییر داده شده است. هم چنین سبک مدرن را نیز سبکی قابل قبول نمی دانند، چنانچه کوینلن تری گفته است: « مدرنیسم پرهیز از هر روشی است که کارکرد داشته است. » بنابراین معماران نئوکلاسیک، گذشته و به خصوص معماری کلاسیک را منبع الهام خود می دانند و معماری کلاسیک یا سنتی را به همان گونه که از نظر کالبدی بوده، برای احتیاجات امروزه طراحی می کنند. اما باید توجه داشت که در داخل این فرم‌های تاریخی، کلیه وسایل رفاهی امروزی تدارک دیده شده است. به طور خلاصه میتوان گفت: ساختمان نئوکلاسیک، پوسته‌ای کلاسیک بر روی امکانات مدرن است^۲.

چنانچه آمد تری معتقد بود که هر نوع معماری جز معماری کلاسیک، زمینی، نامقدس و غیرآسمانی است. در خصوص این قول سه نکته را می توان از نظریات این معمار برداشت کرد. نکته اول اینکه تری معماری آسمانی و مقدس را نقطه مقابل معماری زمینی قرار می دهد، در مورد این طرز تفکر میتوان به دو دسته تعبیری که در ادیان مختلف وجود دارد، اشاره کرد:

تعبیر اول مخصوص ادیانی است که قائل اند می توان در دنیا زندگی خوبی کرد؛ بنابراین نفس زندگی دنیوی قبیحی ندارد، شخصی می تواند در دنیا زندگی کند و خوب هم زندگی کند، یعنی در معنای مادی اش به زندگی مطلوب خود دست یابد، در عین حال به امور معنوی توجه لازم را داشته باشد. تعبیر دوم مربوط به ادیانی است که اساسا نفس در دنیا زندگی کردن را بد می دانند. یعنی اینچنین نیست که ما بتوانیم در دنیا زندگی کنیم و بعضی دارای زندگی

۱ ملکیان، ۱۳۶۹-۱۳۷۳ ب: ۱۳۸-۱۳۹

۲ قبادیان، ۱۳۹۸: ۱۳۰

دنیایی مطلوب و بعضی زندگی دنیایی نامطلوب باشند. زندگی دنیایی برای همه کس نامطلوب است.^۱ دیدگاه تری به تعبیر دوم نزدیک‌تر است چراکه به زعم وی اساساً چیزی اگر زمینی شود چیز بدی است و معماری دنیایی، این جهانی و زمینی، نمی‌تواند مقدس باشد و دنیوی بودن مساوی با بد بودن است. نکته دوم مربوط به فهم تری از معماری مقدس و آسمانی است. وقتی او مدعی دریافت مقدس و آسمانی بودن معماری کلاسیک و غیرمقدس و زمینی بودن انواع دیگر معماری است، نزد خود به فهم و تعریفی از معماری مقدس و آسمانی رسیده‌است که او را قادر می‌سازد این معماری را از اقسام دیگر تمیز و تشخیص دهد. مثالی که می‌توان برای فهم بهتر این مطلب زد این است که از کسی بخواهیم رنگ قرمز را در بین تعدادی مداد رنگی که مداد رنگی قرمزی در میان آن‌ها نیست، از رنگهای دیگر جدا کند و او در جواب بگوید هیچ رنگ قرمزی وجود ندارد. این شخص رنگ قرمز را می‌شناسد و نزد خود تعریفی از آن دارد که او را قادر ساخته‌است این رنگ را از رنگ‌های دیگر تشخیص دهد؛ پس تری نزد خود تعریف و فهمی از معماری مقدس، معماری آسمانی و زمینی داشته‌است که مدعی وجود آن در معماری کلاسیک بوده است.

نکته سوم اینکه برای اثبات و یا رد این ادعا که هر معماری جز معماری کلاسیک زمینی، نامقدس و غیرآسمانی است، تری نیازمند «ملاک» بوده است. برای فهم بهتر نیاز به این ملاک، مثالی خواهیم آورد. فرض کنید که می‌گوییم بعضی چیزها جامد نیستند، چرا می‌توان چنین ادعایی کرد؟ علتش این است که برای چیزهای جامد ملاک داریم و این ملاک این است که مثلاً چیزهای جامد از خود صلابت نشان می‌دهند و یا نفوذناپذیر هستند؛ در آن صورت می‌توانیم بگوییم آن شیء دارای چنین ملاکی نیست پس جمودتی هم برای آن نیست. اما اگر ملاکی در اختیار نداشته باشیم چگونه می‌توانیم ادعا کنیم که بعضی چیزها جامد نیستند؟ یا برای اینکه بخواهید بگویید اشیاء دو دسته می‌شوند: برخی اشیاء واقعی هستند و برخی غیرواقعی، باید حداقل یک موجود در جهان وجود داشته باشد که او را به عنوان موجود واقعی بپذیرید و سپس سایر اشیایی که می‌خواهید بگویید واقعی نیستند را با آن بسنجید و بگویید واقعی نیست. و اگر شما ادعا کرده‌اید که همه چیز غیرواقعی است یعنی همه چیز مثل چه نیست؟ بر اساس چه ملاکی واقعی بودن را از غیرواقعی بودن تشخیص می‌دهید؟^۲

با این توضیحات بار دیگر به قول تری رجوع می‌کنیم؛ او بیان می‌دارد که معماری کلاسیک آسمانی و مقدس و معماری غیرکلاسیک نامقدس، غیرآسمانی و زمینی است. ملاک تری برای این ادعا چیست؟ وی برای اثبات ادعای خود معماری کلاسیک را دارای اصولی معرفی می‌کند که آن را جاودانه و آسمانی کرده است. این اصول به عنوان ملاک باید چیزی باشد که در معماری کلاسیک موجود و در سایر اقسام معماری ناموجود باشد. این پژوهش ملاک ترجیح معماری کلاسیک نزد تری را در مجموعه مقالات «تئوریه‌ها و بیانیه‌های معماری معاصر»^۳ (۱۹۹۷) و مقاله‌ای با عنوان «معماری و الهیات»^۴ از این معمار یافته است. نسبت این معماری با الهیات و اعتقادات مذهبی و دینی، تجلی معرفت به خدا و ترس از او در آن، احترام به طبیعت و استفاده از مصالح طبیعی، مقیاس انسانی و هماهنگی کامل و سازگاری ساختمان با محیط اطراف از جمله این ملاک‌ها است. لذا می‌توان مدعی شد که به زعم تری معماری دینی به واسطه نسبت با دین مقدس بوده و همچنین ملاک‌های فوق را نیز دارا است.

تری نیز همچون پوجین به ارتباط اعتقادات مذهبی و معماری اشاره می‌کند، با این تفاوت که برخلاف پوجین که معماری گوتیک را حاصل ایمان کاتولیک به دین می‌خواند؛ تری معماری کلاسیک را در نسبت با الهیات می‌بیند. موضوع بحث تری در مقاله پیش گفته، نسبت بین الهیات و معماری، یا به بیانی دیگر، دین و هنر است. وی از تندباد پیشرفت، فن‌آوریهای جدید و مصرف کردن بی‌رویه ذخایر زمین انتقاد میکند و ترس از آفریدگار را رنگ‌باخته می‌بیند:

ترس از خدا آغاز معرفت است... ما این ترس را از دست داده‌ایم و از این رو نابخرده شده‌ایم. وقتی بشر ایمان به

۱ ملکیان، ۱۳۶۹-۱۳۷۳: ۵۴

۲ همان، ۱۰۲-۱۰۳

3 theories and manifestoes of contemporary architecture

4 architecture & theology

آفریدگار را پس بزند، توانایی خلاقش^۱ از بین می‌رود... در تاریخ، بشر هرگز این چنین قادر به پس زدن خدا نبوده است. حتی انسان روم باستان، با تمام شرارتش، ترسی از خدا داشت. او دریافته بود که زندگی‌اش به کسی وابسته است که باران و نور آفتاب را به او می‌بخشد. اگر خشک‌سالی رخ می‌داد، به درگاه «سرش»^۲ الهه زراعت و رستنی‌ها استغاثه می‌کرد. زمانی که بیمار می‌شد، به درگاه «اسکلاپیوس»^۳، خداوند طب، شراب تقدیم می‌کرد. زمانی که فرزند نداشت، به درگاه الهه باروری دعا می‌کرد و وابستگی‌اش را به الهه «فورتونا»^۴ برای خوشبختی اذعان می‌داشت، اما انسان مدرن از هیچ خدایی نمی‌هراسد و هیچ امید و آرزویی فراتر از تکنولوژی ندارد.^۵

وی ادامه می‌دهد:

انسان عصر باستان، طبیعت را مهار و همین را در هنرش بیان می‌کرد؛ اما انسان مدرن، خود را به نحو مصیبت‌باری در مقابل طبیعت می‌یابد و همین مبارزه‌طلبی را در هنرش بیان می‌کند. بدینسان طبیعتی است که موهبت خلاق هنرمندانه از بین رفته باشد.^۶

لذا معماری دینی در نزد تری معماری است که ترس از خدا و ایمان به او را در دل پرورانده است. به زعم وی این روند نزول انسانی در معماری نیز رخ داده است:

در گذشته، ما با نظام مصالح طبیعی -خشت، سنگ، الوار، تخته سنگ و اندود گچ- احاطه شده بودیم. ارتفاع پله، متناسب با توانایی ما برای بالارفتن از پلکان تنظیم می‌شد و عمق و ژرفا، تا جایی که توسط نور و جریان هوای طبیعی قابل کنترل باشد، معین می‌شد؛ اما اکنون فولاد، شیشه، بتن، پلاستیک، بالابرها، برقی، نور و جریان هوای مصنوعی، به ما یک آزادی نامحدود و لجام‌گسیخته عطا کرده‌اند که قادر به مهار آن نیستیم. ارزانی، ساخت‌وساز موقت و حداکثر سود، تبدیل به خدایان ما شده‌اند. هیچکس نمی‌تواند نسبت به تناسب دلپسند، استفاده صمیمی از نظام کلاسیک، مصالح طبیعی، مقیاس انسانی، و هماهنگی کامل و چگونگی سازگاری این ساختمان با محیط اطرافش بی‌توجه باشد. امروزه، ما آسمان‌خراش‌هایی می‌سازیم که شبیه کارگران پالایشگاه‌های نفت، با اجتناب از مصالح طبیعی، بدون هیچ احساسی از تناسب، و بی‌هیچگونه هماهنگی یا ظرافتی کار می‌کنند. چنین ساختمان‌هایی قابل‌مقایسه با ساختمان‌های پدرانمان نیست.^۷

وی اعتقاد دارد در دنیای جدید توانایی طراحی و خلق ساختمان‌های زیبا متوقف شده است، چراکه ما مجبور شده‌ایم باور کنیم که هر دوره‌ای باید چیز جدیدی به ارمغان بیاورد و عصر جدید باید فن‌آوری را وارد عرصه معماری کند، درحالی که تری عقیده دارد در معماری، همانند الهیات، هیچ چیز جدید ارزش مندی وجود ندارد و با ارجاع به قول سلیمان اذعان می‌دارد: «چیزی که بوده است همان چیزی است که باید باشد و آنچه انجام شده است همانی است که باید انجام گردد»^۸.

در این میان تری مسئولیت را بر عهده معمار می‌داند که مشعل لرزان معماری سنتی را روشن نگاه دارد. آفریدن چیزی خوب با دست‌انداختن، خواه یک سرستون سنگی کرنی باشد یا پیچکی در یک نرده آهنی، یا برگی کنده‌کاری شده در چوب یا حتی یک قوس صیقل‌خورده در دیواری آجری؛ به تعبیر وی همه این‌ها معمار را از سطح یک نان‌آور حقوق‌بگیر محض به سطح یک هنرمند و صنعتگر ارتقا می‌دهد. کسی که همه افکار کم‌سوی عدن را در ضمیرش دارد، بهشت را برای اذهان صنعتگران به ارمغان خواهد آورد و به رب‌النوع الهام‌بخش صنعت خویش بدل خواهد شد. تری بیان می‌کند که اینچنین است که نوع بشر دوباره همنشین پروردگار خواهد شد.^۹ لذا به

1 creative ability
2 Ceres
3 Aesculapius
4 Fortuna
5 Terry, 1997: 193,194

۶ همان

۷ همان

۸ همان، ۱۹۵

۹ Terry, 1997: 193-196؛ فرشیدنیک و افهمی، ۱۳۹۱: ۲۰-۲۲

زعم وی این معماری سنتی است که می‌تواند در مقام یک معماری مقدس یا دینی وضعیت نابه‌سامان معماری را سامان دهد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به مطالعه افهام موجود از معماری دینی نزد دو معمار صاحب‌نظر در حوزه فرهنگی غرب یعنی آگوستوس پوجین و کوینلن تری از معماری دینی پرداخت تا بخشی از آشفتگی‌ها و افهام متمایز و چندگانه موجود از معماری دینی نزد معماران را سامان دهد. به‌منظور ارائه نتایج حاصل از این مطالعه، نخست نتایج حاصل از مطالعه افهام موجود از معماری دینی به تفکیک این دو معمار و سپس نتایج حاصل از تطبیق و قیاس این افهام ارائه شد و در نهایت امکان تعمیم این افهام به اندیشه‌های معماران حوزه فرهنگی غرب فراهم آمد. اهم نتایج حاصل از تحلیل افهام معماران حوزه فرهنگی غرب در خصوص معماری دینی در جهت پاسخ به پرسش پژوهش و به تفکیک معماران شامل موارد ذیل است.

● در خصوص فهم آگوستوس پوجین از معماری دینی:

مطالعه فهم آگوستوس پوجین در خصوص معماری دینی نشان داده است ساخت انواع معماری دینی نزد پوجین عملی است که مومنان به دین از روی ایمان، باور و اعتقادی عمیق و قلبی به دین انجام می‌دهند. به زعم وی تنها انسانی که اعتقادی عمیق به دین را در خویش پرورانده است می‌تواند معماری باشکوه دینی را خلق کند و هر اندازه که در پرورش باور و اعتقاد قلبی خویش توفیق بیشتری کسب کند، تاثیر آن در خلق معماری دینی باشکوه‌تر، مشهود است. نزد پوجین هدف معماری دینی پرستش خدا و نمایش بزرگی و جلال وی است؛ در کنار این امور معنوی، معماری دینی همچنین محلی برای رتق و فتق فعالیت‌ها و امور مادی و دنیایی مردم نیز محسوب می‌گردد. پوجین صورت ظاهری معماری دینی را نمایشی از وضعیت اخلاقیات جامعه، شخصیت معمار، و گذشته معنوی وی می‌داند و به پرهیز از بکارگیری عناصر، جزئیات، و تزئینات غیرضروری در معماری دینی تاکید می‌کند.

● در خصوص فهم کوینلن تری از معماری دینی:

معماری دینی نزد کوینلن تری در نسبت با الهیات و اعتقادات دینی معمار تشخیص داده شد، به زعم وی این معماری تجلی معرفت به خدا و ترس از او است، طبیعت را محترم می‌شمارد، و استفاده از مصالح طبیعی را در اولویت قرار می‌دهد. این معماری به رعایت مقیاس و تناسب انسانی تاکید می‌ورزد و در هماهنگی کامل با محیط پیرامون ساخته می‌شود و معماردینی به عنوان معماری که ترس از خدا و ایمان به او را در دل پرورانده است، توانایی خلق معماری دینی را دارد.

این پژوهش با قیاس و تطبیق افهام این معماران نیز به فهمی از معماری دینی نزد ایشان دست یافته است که اهم نتایج حاصل از آن شامل موارد ذیل است:

مطالعات این پژوهش نشان داده است تاکید بر تجلی ایمان، اعتقاد قلبی و باورهای انسان، و به‌طور ویژه معمار، در معماری دینی، در افهام هر دو معمار مشهود است. چنانچه پوجین ساخت کلیساهای جامع را عملی از روی ایمان مومنان به مذهب کاتولیک می‌دانست؛ و معماری آن را برای تفسیر سیرت، شخصیت و وضعیت اخلاقیات سازندگان آنها بکار می‌برد؛ و کیفیت ساخت این بناها را ناشی از کیفیت گذشته معنوی معمار آن می‌دانست و تری نیز معماری کلاسیک را حاصل ایمان انسان دین‌دار و خداترس می‌دانست.

اعتقاد این معماران به پیوستگی معماری با معنویات، دین، و یا مذهبی خاص نیز یکی از نقاط اشتراک تفکر ایشان بود. پوجین معماری گوتیک را معماری راستین دین مسیحیت خوانده، و کلیساهای جامع و قدیمی اروپا را تجلی‌گر حقایق کاتولیک می‌نامد. حقیقتی مذهبی که آن را در کلیساهای جدید پروتستان نمی‌یابد. تری نظم‌های موجود در معماری کلاسیک را الهاماتی آسمانی و مقدس می‌پنداشت و به نسبت این معماری با اعتقادات مذهبی و همچنین الهیات قائل بود، و حتی مقاله‌ای تحت عنوان معماری و الهیات در ذکر نسبت بین دین و هنر نگاشت. با بررسی اندیشه‌های این دو معمار، انتساب کارکردی صرفاً معنوی در مقابل کارکرد مادی، دنیایی و معنوی به معماری دینی را می‌توان از نکات افتراق اندیشه‌های ایشان نام برد. از نظر پوجین معماری دینی دارای دو کارکرد است. در کارکرد اول معماری دینی به امور معنوی انسان اختصاص دارد، و مکانی است برای پرستش و عبودیت خدا، نمایش بزرگی و جلال او، و همچنین تجلی ابعاد معنوی دین؛ کارکرد دوم به کلیسا به عنوان نهادی زنده اشاره می‌کند که علاوه بر پرداختن به معنویات، می‌بایست به رتق و فتق امور مادی و دنیایی مردم نیز بپردازد، و این نیرو را با انجام فعالیت‌ها و امور انسانی، مراقبت از مردم، از جمله ثروتمندان و فقرا، صنعتگران و دانشمندان، و جوان و پیر، تامین کند. در مقابل تری در نظریات خویش، تنها به کارکرد معنوی معماری دینی و کلیسا، یعنی تلقی آن به‌مثابه محلی برای عبودیت، پرستش خدا، و تجلی دین اشاره کرد.

مشخصات معمار ابنیه دینی نزد این معماران نیز یکی از نقاط افتراق اندیشه‌های ایشان است. چنانچه پوجین معتقد است معمار ابنیه دینی مسیحی باید مسیحی باشد و ساخت کلیساهای جامع را در مقام یک اثر معماری دینی، وابسته به حضور معمار مومن به مذهب کاتولیک و عملی از روی ایمان، باور و اعتقاد عمیق و قلبی ایشان به این مذهب می‌داند. در مقابل تری ترس از آفریدگار را در معمار ضروری می‌یابد و آن را موجب بخردی و پرورش توانایی و موهبت خلاق هنرمندان ایشان معرفی می‌کند. متعاقب این باور معمار دینی را نزد تری می‌توان معماری دانست که ترس از خدا و ایمان به او را در دل پرورانده باشد.

این پژوهش به‌منظور وضوح‌بخشیدن به تصورات ناروشن و افهام متمایز موجود از معماری دینی نزد معماران به مطالعه فهم دو معمار صاحب‌نظر حوزه فرهنگی غرب در خصوص معماری دینی از بین سایر معماران این حوزه فرهنگی پرداخته و نتایج حاصل از این مطالعه را به قرار فوق آورده است، اما تعمیم اندیشه‌های این معماران به حوزه فرهنگی غرب، و دستیابی به فهم رایج از معماری دینی در این حوزه فرهنگی، نیازمند پژوهش‌های گسترده‌ای است که در آن به معرفی و مطالعه آراء تمام معماران صاحب‌نظر در این زمینه و در این حوزه فرهنگی، و حتی آراء دین‌پژوهان، هنرشناسان، و اندیشمندان سایر حوزه‌های علوم، و همچنین جریان فکری و دینی تاثیرگذار بر فهم این معماران از معماری دینی پرداخته شود، و می‌تواند به عنوان چشم‌اندازی برای پژوهش‌های آتی مد نظر قرار گیرد.

فهرست منابع

- آلبرتی، لئون باتیستا و دیگران (۱۳۹۹). نظریه‌های زیبایی‌شناسی. گردآوری مارک فاستر گیچ، ترجمه احسان حنیف، تهران: فکرنو.
- شوی، فرانسواز (۱۳۸۴). شهرسازی تخیلات و واقعیات. ترجمه محسن حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فرشیدنیک، فرزانه؛ افهمی، رضا (۱۳۹۱). معماری و الهیات. کوینلن تری، کتاب ماه هنر، شماره ۱۷۳، ۲۰-۲۲.
- قبادیان، وحید (۱۳۹۸). مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- کالینز، پیتر (۱۳۷۵). تاریخ تنوری معماری. ترجمه حسین حسنیپور، تهران: قطره
- گاردنر، هلن (۱۳۸۷). هنر در گذر زمان. ترجمه محمد تقی فرامرزی، تهران: آگاه.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۶۹-۱۳۷۳). تاریخ فلسفه غرب. جلد اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۶۹-۱۳۷۳). تاریخ فلسفه غرب. جلد دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- Alberti, L, B. 1755. the ten book of architecture, Leoni edition.
- Alexander, Ch. 2004A. The Phenomenon of Life: Nature of Order, Book 1: An Essay on the Art of Building and the Nature of the Universe, CES Publishing.
- Alexander, Ch. 2004B. The Process of Creating Life: Nature of Order, Book 2: An Essay on the Art of Building and the Nature of the Universe, Center for Environmental Structure.
- Alexander, Ch. 2004C. A Vision of a Living World: The Nature of Order, Book 3: An Essay on the Art of Building and the Nature of the Universe, Center for Environmental Structure.
- Alexander, Ch. 2003. The Luminous Ground: The Nature of Order, Book 4: An Essay on the Art of Building and the Nature of the Universe, CES Publishing.
- Belcher, M. 1987. A study of Contrasts and other writings of A.W.N. Pugin in relation to the medievalist tradition in Victorian literature; together with a bibliography of publications by and about him, a thesis for the degree of doctor of philosophy, university of Canterbury.
- Hill, R. 2001. God's Architect, Pugin and the Building of Romantic Britain, London, Penguin Publ.
- Kelly, Ch, M. 2014. Augustus Pugin, 1812-1852, the Irish Monthly, Vol. 61, No. 720, pp. 380-389.
- Pugin, A, W. 1841. Contrasts: Or, A Parallel between the Noble Edifices of the Middle Ages and Corresponding Buildings of the Present Day, Cambridge Library Collection, Art and Architecture, Illustrated Edition.
- Ruskin, J. 2015. The Seven Lamps of Architecture, simplicissimus book farm.
- Terry, Q. 1997. Architecture & theology, theories and manifestoes of contemporary architecture, edited by jenkes. Charles, kropf, Karl, academy edition, Chichester.

Augustus Pugin and Quinlan Terry's interpretations of Religious Architecture

Seyedeh Mahsa Bagheri¹

Mahmood Arzhamand²

Seyed Behshid Hosseini³

Received Date: 2022 Apr 4

Accepted Date: 2022 May 6

Abstract

The distinct, varied, and multiple interpretations of religious architecture by various architects, art scholars, and theologians led this study to be conducted with the aim of studying part of this interpretations. Augustus Pugin and Quinlan Terry are prominent architects in the western cultural sphere who have gained an interpretations of this architecture in their thoughts. This study intends to study the interpretations of the mentioned architects of religious architecture. The research is fundamental-theoretical in terms of purpose and qualitative in terms of strategy. Research is also a library in terms of data collection methods. The results of this research, in addition to providing an analytical study of the interpretations of the mentioned architects regarding religious architecture, also provide a comparative analysis of these interpretations. According to this analysis, the emphasis on the manifestation of faith and beliefs of human, or specifically architects, in religious architecture, was identified in the interpretations of these architects. The belief of these architects in the connection of architecture with spirituality, religion, or faith was also one of the common points of their interpretations. Also attributing purely spiritual function versus material and spiritual function to the architecture of religion and also, the differences in the characteristics of religious architects can be considered as points of difference between the ideas of the mentioned architects.

Keyword: Religious Architecture, Religious Architect, interpretations, Augustus Pugin, Quinlan Terry.

1. PhD Student, Department of Architecture, Faculty of Architecture & Urban Planning, University of Art, Tehran, Iran

2. Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Art, Tehran, Iran

3. Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, University of Art, Tehran, Iran